

پرنده آبی

خبر دقیق نیاز است

● دوشنبه‌شب یکی دیگر از شب‌های بحرانی این چندوقفت اخیر ایران بود. کانال‌ها، فعالان شبکه‌های اجتماعی و... تا نیمه‌های شب از سقوط دلار می‌نوشتند؛ اینکه دلار ۱۴ یا ۱۵ هزار تومان در بعدازظهر حتی به ۹ یا ۸ هزار تومان رسیده است. از شهرهای مختلف نظیر تبریز و مشهد و حتی کوجه پس‌کوجه‌های فردوسی عکس‌هایی منتشر می‌شد که خبر از صف‌های طولانی فروشگاهان می‌داد. عده زیادی با هشتک #سقوط دلار و #نه‌به دلار و نه‌به دلالتی سعی می‌کردند آخرین اطلاعات و نظرات خود را بیان کنند. عده‌ای به شبکه‌های فارسی‌زبان خارج از ایران خرده می‌گرفتند که چرا وقتی خبر دلار ۱۹هزارتومانی را در نیمه‌های شب مخابره می‌کنی، اکنون که دلار روند نزولی گرفته است، سکوت کرده‌ای یا همان قیمت بالا را منتشر می‌کنی. هرچند برخی کانال‌های معلوم‌الحال نیز سعی می‌کردند با تلاش زیاد مردم را از فروش دلارهایشان بازدارند. فعالان مجازی اصولگرا مدام برای پابین‌آمدن قیمت دلار نشانه و دلیل می‌آوردند و آن را به همدلی نسبت می‌دادند و بسیاری از مردم و کاربران از بالا رفتن ارزش ریال ابراز خوشحالی می‌کردند. وزیر ارتباطات که جزء فعالان در هر قضیه‌ای است، این‌بار توییتری را منتشر کرد: «آیا در تیتِر فردای روزنامه‌ها و طرح دیدگاه‌های صاحب‌نظران، به نقش شبکه‌های اجتماعی در همدلی ملی و #سقوط دلار پرداخته خواهد شد؟ برخی ایرادات مطرح‌ه، ناشی از نبود سیاست صحیح در نحوه استفاده از رسانه‌های نوین است نه نفس توسعه شبکه‌های اجتماعی.» در واقع در سخنان وزیر چند نکته مهم بود؛ ازجمله همدلی، شبکه‌های اجتماعی و... بسیاری از کاربران با حیرت به اخبار منتشرشده در کانال‌های تلگرامی می‌نگریستند و این سؤال را مطرح می‌کردند که مگر صرافی‌ها، مانند بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها شبانه‌روزی شده‌اند که باز هستند و معامله می‌کنند. کاربران حیرت‌زده گیج شده بودند و می‌پرسیدند آیا باید در نیمه‌شب خودشان برای آگاهی از وضعیت روانه خیابان‌ها شوند؟ آیا واقعا دلار پابین آمده یا فقط جوسازی مجازی است؟ جالب اینجا بود که انکار حتی اخبار اتحادیه طلا و ارز هم چندان مورد قبول کاربران نبود. سرانجام نیاز به خبر رسمی از سوی خبرگزاری ایسنا برآورده شد و در ساعت یک نیمه‌شب خبری از مشهد منتشر شد که دلار ۱۳ هزار فروخته می‌شود و حدود ۱۲ هزار تومان خریده می‌شود. تجربه این اتفاق نشان می‌دهد که نیاز به اخبار دقیق، رسمی و اعتماد به خبرگزاری‌های شناخته‌شده و نه کانال‌های مجازی همچنان وجود دارد و جای خالی فعالیت‌های حرفه‌ای مشهود است.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۱ مهر ۱۳۹۷ • ۲۳ محرم ۱۴۴۰ • ۳۰ اکتبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۲۵۸ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۳ • اذان مغرب ۱۸:۰۴ • اذان صبح فردا ۴:۳۸ • طلوع آفتاب ۶:۰۱

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

کریس گاش

ایسنا : تاریخ انقضای فشارهای اقتصادی علیه ایران نزدیک است



طبق رسم هر سال جایزه نوبل فیزیک امسال در روز دوم اکتبر سال ۲۰۱۸ میلادی در آکادمی سلطنتی سوئد اعلام شد. جایزه نوبل فیزیک امسال به ابزارهای نوری اختصاص یافته است. این جایزه به آرتور آشکین، فیزیک‌دان اهل ایالات متحده آمریکا، به علت ساخت انبرک نوری و مشترکا به جرار مسورو، فیزیک‌دان فرانسوی و خانم‌دونا استریکلند از کشور کانادا به علت فناوری تولید پالس‌های بسیار کوتاه نوری با شدت نور بالا تعلق گرفت.

آرتور آشکین، در سال ۱۹۲۲ میلادی متولد شده است و تجربه کاری در آزمایشگاه بل و شرکت لوستن تکنولوژی را دارد و در زمینه اپتیک و به‌دام‌انداختن‌های ذرات با نور لیزر فعالیت می‌کند. وی در سال ۱۹۸۶ موفق شد که انبرک نوری را اختراع کند که با یک پرتو لیزر با فوکوس بالا نیروی جاذبه یا دافعه ایجاد کند و می‌تواند اجسام را در فضا ثابت نگه دارد یا آنها را حرکت دهد. این فناوری، ما را قادر می‌کند که ذرات دی‌الکتریک در مقیاس میکرون را با اعمال نیروی بسیار کم توسط یک دسته نور لیزر و فوکوس بسیار بالا، دست‌کاری کرده و این ذرات میکروسکوپیک را در فضای سه‌بعدی ثابت نگه داریم. از انبرک نوری در مطالعه سیستم‌های زیستی همانند باکتری‌ها، سلول‌ها و ویروس‌ها در سال‌های اخیر استفاده شده است. از

آکادمی

برندگان نوبل فیزیک ۲۰۱۸ معرفی شدند

تقدیر از نوآوران پیشگام در حوزه فیزیک لیزر

عماد آقاچانی . کارشناس ارشد فیزیک



این ابزار در بیولوژی سنتتیک برای ساخت شبکه‌های بافت‌مانند یا سلول‌های مصنوعی و همچنین در مرتب‌سازی سلول‌ها استفاده شده است. کارکرد کلی این ابزار به این صورت است که دسته نور از یک شیء نوری عبور می‌کند و در قسمتی که به کمر یا میانه دسته نوری معروف است؛ یعنی در میانه محور دسته نور، شدت میدان الکتریکی به بیشترین حد خود می‌رسد. بنابراین ذرات دی‌الکتریک به سمت این قسمت جذب می‌شوند. فوتون‌های جذب یا پراکنده‌شده از ذرات دی‌الکتریک، به علت اصل بقای اندازه حرکت، باعث می‌شوند که ذره به‌دام‌افتاده دی‌الکتریک کمی از مرکز میانه محور دسته نور جابه‌جا شود. به‌طورکلی ذره در فضا ثابت نگه داشته می‌شود و اکثر انبرک‌های نوری به‌گونه‌ای ساخته می‌شوند که جابه‌جایی از مرکز محور پرتوهای نور بسیار کوچک باشد.

میدون و سوفیا

قصه عجیب سرخ‌پوست‌ها و ایرانی‌ها و هیزم و پوشک



رئیس قبیله سرخ‌پوست‌ها زنگ زد به اداره هواشناسی و گفت امسال زمستان چطو ر است؟ اداره هواشناسی گفت: مثل هر سال برف می‌بارد. رئیس قبیله به افرادش گفت: بروید و هیزم بیاورید.

چندتا ایرانی آن دوروبر بودند که داشتند پوشک انبار می‌کردند. وقتی سرخ‌پوست‌ها ایرانی‌ها را دیدند، پرسیدند: چرا پوشک جمع می‌کنید؟ زمستان در راه است و باید هیزم جمع کنید.

یکی از ایرانی‌ها گفت: چون بحران آب است و آب قطع است و اگر قطع باشد قصه می‌شود. یکی از سرخ‌پوست‌ها که می‌خواست هیزم جمع کند، اما متوجه شد چون آب قطع است، ایرانی‌ها دارند پوشک جمع می‌کنند، برای همین جای هیزم، دوتا پوشک خرید و برد خانه.

ایرانی‌ها هم که دیدند هیزم دارد کم می‌شود، سریع هرچی درخت بود را تبدیل به هیزم کردند و بردند خانه انبار کردند.

وقتی سرخ‌پوست‌ها برگشتند قبیله، رئیس قبیله دید که هیچی هیزم ندارند و جاش یک عالم پوشک آورده‌اند.

پرسید: چرا جای هیزم، پوشک آورده‌اید؟

سرخ‌پوست‌ها گفتند: چون ایرانی‌ها می‌گویند آب قطع است و زمستان سختی در پیش است.

رئیس قبیله زنگ زد به اداره هواشناسی و گفت: زمستان امسال چقدر سخت است؟

رئیس اداره هواشناسی گفت: زمستان را ول کنید. بروید دلارهای هشت‌هزارتومانی را که بهتان فروخته‌اند ۲۰ هزار تومان، سریع بیاورید و بفروشید ۱۰ هزار تومان. بعد ریال‌هایتان را بیاورید توی بورس، چون شرکت‌های پوشک‌سازی رفتند توی بورس. رئیس قبیله به افراد قبیله‌اش گفت: پوشک‌ها را ببرید بربزید توی بازار. با پولی که می‌گیرید، سکه طلا بخرید، چون معلوم نیست چه خبر است.

ایرانی‌ها که دیدند سرخ‌پوست‌ها دارند سکه می‌خرند، سریع خانه‌هایشان را فروختند تا سکه بخرند، اما هرکی می‌رفت بازار سکه ببرد، دستگیر می‌شد. باران سختی هم بارید و هیزم‌های توی انبار را آب برداشت. برای همین ایرانی‌ها هرچی داشتند فروختند تا وثیقه بگذارند.

رئیس قبیله زنگ زد به اداره هواشناسی و گفت: وضعیت زمستان چطور خواهد بود؟

رئیس اداره هواشناسی گفت: صددرصد عصر یخبندان در راه است، چون هرچی جنگل توی ایران بوده، قطع کردند و جاش دارند برج می‌سازند.

رئیس قبیله افرادش را صدا زد و گفت: سکه‌ها را ببرید بفروشید و بخاری بخرید. اوضاع خراب است.

ایرانی‌ها که جنگل‌ها را خراب کرده و برج ساخته بودند متوجه شدند اوضاع خراب است و آب هم قطع است. هرچی پول داشتند لامبورگینی خریدند که اگر حالا که دیگر کاری نمی‌توانند بکنند، حداقل حالش را ببرند و بتوانند دوتا لایو توی اینستاگرام بگذارند.

رئیس قبیله سرخ‌پوست‌ها زنگ زد به رئیس اداره هواشناسی جهانی و گفت: پس چی شد؟ اینها چرا دارند لامبورگینی می‌خرند؟ رئیس اداره هواشناسی جهانی درحالی‌که داشت با سلین دیون حرف می‌زد، گفت: پوهاها... پوهاها... من خودم می‌خوامتم لامبورگینی وارد کنم و بفروشم. ولی مردم پول نداشتند، این‌طوری من ماشین‌هام را فروختم.

رئیس قبیله سرخ‌پوست‌ها که با چنین صحنه‌ای مواجه شد، افراد قبیله‌اش را صدا زد و گفت: من تو کار اینها مانده‌ام فرزندانم و دیگر هیچ تحلیلی ندارم. با اجازه‌تان من دوتا موز برمی‌دارم و می‌روم در افاق کم می‌شوم. افراد قبیله گفتند: حالا ما دلارهایمان را چه‌کار کنیم؟ چطوری زنده بمانیم؟

رئیس قبیله گفت: شما اجازه می‌دهید من این‌همه دلار خرج کنم که شما چند روز بیشتر زنده بمانید؟

افراد قبیله گفتند: نه... نه... نه...

رئیس قبیله گفت: پس دلارهایتان را من با خودم می‌برم که با محمودرضا خاوری قمار کنم و با آن بابایی که دکل نفتی خورد جوجه بز نیم و با رئیس سکه‌تامن که هفته پیش از کشور خارج شد. برای شما توی ماهواره راهکار عبور از بحران بدیم. افراد قبیله زارزار گریه کردند و گفتند: پس رئیس اداره هواشناسی جهانی چی؟ رئیس قبیله گفت: او دارد یک کمپین تشکیل می‌دهد که وارد انتخابات شود. بروید پروژه بگیرید و حال کنید.

جمع‌بندی

سوفیا... عشقم... هی می‌گوینی چرا من هذیان می‌گویم؟ هی می‌پرسی چرا من قاطی کردم؟ خب عشق من... تو جای من... یک پا روی دلار، یک پا روی پوشک و رب، آیا سُر نمی‌خوری؟

عاشق هذیان‌گوی تو؛ میدون دوم

شرق: بیش از ۱۰ روز از حمله تروریستی اهواز می‌گذرد و همچنان سؤالات بسیاری درباره این واقعه تکان‌دهنده و نحوه انعکاس و رویارویی روزنامه‌نگاران با این‌گونه مصیبت‌ها مطرح است. اندیشگاه فرهنگی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برای پاسخ‌دادن به این سؤال که چرا رسانه‌ها هنوز نمی‌توانند در مواقع بحرانی عکس‌العمل حرفه‌ای نشان دهند، از عباس عبدی، روزنامه‌نگار اصلاح‌طلب و رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران و محمد مهاجری، روزنامه‌نگار اصولگرا، خواسته است تا به واشکافی این مسئله بپردازند. عباس عبدی با اشاره به جهت‌گیری رسانه‌ها در مواجهه با بحران‌ها گفت: «در مواجهه با یک رویداد چهار ویژگی اتفاق می‌افتد: نخست اینکه انتشار خبر چقدر منافع عده‌ای را تامین یا تهدید می‌کند. هر چقدر تهدید منافع بیشتر باشد، به خبر سوگیرانه‌تر پرداخته می‌شود، چه در سطح داخل و چه بین‌الملل. دومین نکته این است که ببینیم رویداد چقدر شفاف است؟ حادثه‌ای مثل حمله تروریستی اهواز اصلا شفاف نبود. حتی مشخص شد چه کسانی این کار را کرده‌اند. نکته بعدی این است که بررسی کنیم چقدر رسانه‌ها برای پیگیری اتفاق آزادند. وقتی رسانه آزاد باشد مردم آن را دنبال می‌کنند. فردای آن روز در رادیو در پنجمین خبر خود اشاره‌ای هم به اهواز کرد. این با هیچ‌کدام از معیارهای خبررسانی منطبق نیست.» عبدی ادامه داد:

«نکته بعدی این است که چقدر رسانه‌ها مسئولیت‌پذیرند. در آمریکا که این نوع اتفاقات زیاد می‌افتاد می‌بینیم که به‌وضوح مشخص است چه کسی خبر اتفاق را می‌دهد. مثلا فرماندار یا رئیس پلیس این وظیفه را برعهده می‌گیرند. کس دیگری حرف نمی‌زند و خبر نمی‌دهد؛ در واقع باقی افراد تحلیل می‌کنند ولی در ایران این‌طور نیست. به‌رحال نمی‌شود همه‌چیز را به گردن رسانه انداخت چون ساختار رسانهای متناسب با شرایط جدید نیست. ما با رسانه مثل بوق رفتار کرده‌ایم. سال‌ها رسانه یک‌طرفه چیزی گفته و کسی نمی‌توانسته جوابش را بدهد ولی الان اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و... فضای رسانه را هم زیرورو کرده است.» در ادامه این نشست محمد مهاجری نیز با بیان اینکه فاصله روی‌دادن اتفاق اهواز و انعکاس آن در رسانه‌ها کمتر از ۴۰ دقیقه بود، گفت: «تا اینجا رفتار ما مثل رفتار رسانه‌های بزرگ دنیاست. اما فردای همان روز قرار است رئیس‌جمهور به نیویورک برود و جامعه ملتهب است که حالا چه اتفاقی خواهد افتاد؟ مثلا آیا دیداری با ترامپ صورت خواهد گرفته یا نه. به همین دلیل می‌بینید در شبکه‌های اجتماعی گمانه‌زنی‌ها بالا می‌رود. مثلا اینکه چنین اتفاقی افتاده تا سفر روحانی را تحت‌الشعاع قرار دهد. حتی بعضی این اتفاق را به بخشی از نظام منتسب می‌کردند روزنامه‌نگاران ما هیچ‌وقت با بحران بیگانه نبودند اما چه اتفاقی در این سه، چهار سال برای‌مان افتاده است ؟ به دلیل نداشتن استقلال و آزادی و حرفه‌ای‌نبودن رسانه‌ها فضا از دست رسانه‌های رسمی گرفته شده و به شبکه‌های مجازی منتقل شده است. در آنجا هیچ تعهدی به انتشار اخبار وجود ندارد. در ماجرای اهواز من تقریبا یقین دارم که هیچ رسانه‌ای خبرنگار به اهواز نفرستاد و این پدیده شهرزد-خبرنگار باعث شده که حتی ما هم دنباله‌روی فضای مجازی باشیم. البته بخشی از اطلاعات منتشرنشده به دلایل امنیتی بود ولی دیگر زمانه مانند گذشته نیست که مخاطب منتظر تحلیل ما بماند.» عباس عبدی هم گفت: «اینکه بگویم همیشه باید راست گفت ریاست اما وقتی منافع بزرگ‌تری در میان است می‌توانیم بخشی از اطلاعات را ندهیم. ولی ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که اصل بر نگفتن حقیقت است؛ باید با این مبارزه کرد».

مهاجری نیز اظهار کرد: «وقتی بحران اتفاق می‌افتد، ارکان خبر به هم می‌ریزد. من به‌عنوان سردبیر وقتی با بحران مواجه می‌شوم به خبرنگارم می‌گویم سریع به دو نفر زنگ بزن و مصاحبه بگیر. در جامعه ما هم یک مشورت کلام و سخن گفتن وجود دارد که باعث می‌شود میکروفن را جلوی هرکس بغیری حرف بزند. در روزنامه‌نگاری غرب این اتفاق نمی‌افتد. ما روزنامه‌نگاران باید جلوی این شلختگی را بگیریم. هرچند افراد هم باید بگویند که در فلان موضوع سواد ندارم».

در ادامه این نشست عباس عبدی درباره منابع خبری بحران سخن گفت. او اظهار کرد: «این امر مرسوم است که وقتی مثلا داعش فلان اتفاق را پذیرفت با سخنگوی آن سخن بگویند. درباره رویکرد رسانه‌ای مثل بی‌بی‌سی در مواجهه با اتفاق اهواز آنچه مورد اعتراض بود حاکمیت استانداردهای دوگانه بود. به همین دلیل این پرسش مطرح شد که اگر این اتفاق در لندن یا نیویورک می‌افتاد، نیز این‌گونه به آن پرداخته می‌شد یا با الفاظ منفی؟ از سوی دیگر تریبون‌دادن به تروریست، روزنامه‌نگاری نیست. هر فعلی در یک زمینه‌ای معنا دارد؛ یعنی وقتی رسانه‌ای می‌بینید که علیه داعش است و با سخنگویش مصاحبه می‌کند، کسی نمی‌گوید او بلندگوی داعش شده است. ایرادی که در آن زمان به الجزیره وارد می‌شد همین بود که شما نسبت به القاعده سمپاتی دارید و رسانه آن شده‌اید. موضع‌گیری بی‌بی‌سی در چارچوب مقایسه‌ای مشکل پیدا کرد. ضمن اینکه از لحن گزارشگر و زبان بدن و خیلی فکت‌های دیگر می‌شود خیلی چیزها را فهمید».

محمد مهاجری نیز گفت: «روزنامه‌نگاری رزم با روزنامه‌نگاری بزم متفاوت است.

ولی نمی‌دانیم با تروریست چطور باید برخورد کرد و این خوب نیست».